

مدارس نظامیه

الگوی برای تجدید نظر در فرهنگ آموزشی

فرشته نوید

توجه به ظرفیت های تاریخی و باستان شناختی در برنامه های توسعه محلی و منطقه ای مساله ای است که در برنامه ریزی های ملی و منطقه ای مانده گرفته می شود و با به آن توجه نمی شود با این که این ظرفیت ها نقش موثری در شناخت تاریخ و موقعیت های علمی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی منطقه مورد بحث در گذشته دارند؛ گذشته ای که می تواند تاثیر خود را حتی بر فرهنگ و آموزش امروز بگذارد. تاکید بر فعال سازی مطالعات باستانشناختی و علمی، جلب سیاحان و توریست های داخلی و خارجی، تاکید بر نقش فعال ابنیه تاریخی در رشد و توسعه اقتصادی مناطق و برنامه ریزی برای استفاده از باورها و اعتقادات تاریخی در راستای برنامه های ملی و منطقه ای خصوصا در نقاطی که ریشه فرهنگی مشترکی با مردم ساکن در آن سوی مرزها دارند می تواند نقش مهم و موثری را در تامین و توسعه امنیت و ثبات کشور ایفا کند. مدارس نظامیه ایران از جمله مواردی است که در بخش های متفاوت فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و ... می تواند بسیاری از ظرفیت های بالقوه شهرستانی، استانی و ملی را بالفعل کند و نقش موثری در توسعه همه جانبه کشور داشته باشد. این مدارس علاوه بر جاذبه گردشگری شان می تواند نوعی الگوی آموزشی و فرهنگی برای جامعه پرهیاهوی فرهنگ و آموزشی امروز که میان سنت و مدرنیسم سرگردان است و هنوز راه طولانی را برای رسیدن به اوج پیش رو داشته دارد، به شمار رود.

تاریخچه تاسیس مدارس نظامیه

تاسیس مدارس نظامیه در نیمه دوم قرن پنجم هجری و به وسیله خواجه نظام الملک طوسی،

وزیر مقتدر و با کفایت عصر سلجوقی، یکی از رویدادهای مهم علمی و مذهبی در تاریخ اسلام به شمار می آید. این مراکز علمی که تاسیس آنها تا حدود زیادی ناشی از مقتضیات حاد سیاسی و اجتماعی آن دوره بوده، خیلی زود منشاء تاثیراتی شگرف و تحولات چشم گیر در شئون مختلف جامعه اسلامی شد. این آثار که تا دیرگاهی در قسمت وسیعی از دنیای اسلام نمودار و باقی بوده است چنانکه باید و شاید در معرض شناخت و داوری واقعی قرار نگرفته و هنوز هم ماهیت آنها تاریک و مبهم است. تاسیس مدارس نظامیه با دوران سلطنت آلپ ارسلان سلجوقی (۴۵۵-۴۶۵ هـ ق) دومین پادشاه بزرگ این سلسله مقارن بوده است. ظهور سلجوقیان که نخستین بار از جانب شرق ایران به عرصه تاریخ اسلام قدم نهادند آغاز دوران جدیدی بر آوازه در قسمت وسیعی از دنیای اسلام است.

امپراطوری سلجوقی در بدو امر بر سازمانی قبایلی از ترکان تکیه داشت و برخلاف روش معمول در ایران از اعتقاد به یک فرمانروای مطلق به دور بود. این ترکان تازه مسلمان مانند دیگر اقوام صحرائین و بیابان گردی که به ایران تاختند گرچه در زمینه جهانگیری و فتوحات از خود قدرت و لیاقت نشان دادند اما به هیچ وجه با آداب و رسوم جهاننداری آشنایی نداشتند و توفیقشان در تشکیل این امپراطوری مقتدر تنها از آن جهت بود که از وجود مردان لایق ایرانی استفاده کرده و از تجارب آنان در شناسایی به احوال این سرزمین و مردمش و آئین کشورداری مدد گرفتند. در این میان خواجه نظام الملک طوسی یکی از شخصیت های برجسته و نیرومند این آب و خاک بود که از قدرت سلجوقیان در

برانداختن رژیم ملوک الطوائفی که از مدت ها پیش به قسمت های وسیعی از ممالک اسلامی حکومت داشت استفاده کرد. نقش این خواجه بزرگ در تاریخ سیاسی اسلام بیشتر از آن جهت در خور اهمیت است که از یک سو سلجوقیان تازه مسلمان را در چهار چوبه شریعت اسلامی محدود نگهداشت و از سوی دیگر آنان را با آداب و رسوم کشور داری حکمرانان گذشته ایران آشنا و مربوط ساخت. خواجه در محیطی دیده به جهان گشوده بود که مذهب بر همه چیز آن غلبه داشت و بالطبع او نیز تحت چنین شرایطی رشد کرده بود. چند سالی پیش از آنکه زمام کلی امور حکومت را به دست گیرد و صاحب امر و نهی در قلمرو سلجوقیان شود، عمید الملک کندی سلف حنفی مذهب شدیداً متعصب وی چنان در مقابل حمایت از پادشاهان حنفی مذهب سلجوقی از پیروان حنفی روز به روز بر قدرت این فرقه از مذاهب اربعه اهل سنت می افزود، به طوری که حنفیه خراسان روز گار را بر شافعیه تنگ می کردند.

خواجه که خود از شافعیان متعصب بود از این وضع خشنود نبود در مقابل این وضعیت خواجه تدابیر خاص مذهبی را اتخاذ کرد که به نظر او هم تامین عدالت را ممکن می نمود و هم تقریب مذاهب را؛ امری که خواجه از ابتدای دوران وزارت از آن بیمناک بود. نهضت نامرئی و در عین حال سریع اسماعیلیه در شرق اسلام و در حوزه فرمانروایی او بود. این گروه تندرو که دشمن سرسخت و کینه توزی چون خواجه را در مقابل خود می دید بسیاری از توده های ناراضی و مخالف سیاست خواجه نظام الملک را بخود جذب کرده بود و روز به روز بر دامنه فعالیت

خود می افزود. از طرفی خواجه نظام الملک که از هواداران سرسخت خلافت عباسی بود به هیچ وجه نمی خواست که اعتقاد به خلفای فاطمی که از دشمنان آل عباس بودند در حوزه فرمانروایی او رواج گیرد، از این رو تمام تلاش خود را متوجه ریشه کن ساختن عناصر شیعه و اسماعیلی کرد که به نظر او دشمن مشترکی بودند برای مذاهب چهار گانه اهل سنت.

خواجه با حمله قدرت قلم و قدیم به این فرقه ها رحم نکرد چنان که از یک سو بخش عمده کتاب سیاست نامه خود را به بیان مثنائب شیعه و باطنیه اختصاص داد و آنان را در ردیف گبران و سرخ جامه گان و خرمدینان معرفی نمود و پادشاه وقت را از دخالت دادن ایشان در امور دولتی بر حذر داشت و از سوی دیگر به فکر تاسیس مراکز افتاد که از هر جهت بتوانند به آرزوهای او در تحقق بخشند و به مبارزه با این فرقه ها جامه عمل بپوشاند؛ از این جهت مدارس نظامیه را به منظور اقدامی متقابل در برابر جامع الازهر که مرکز فعال علمی و فرهنگی فاطمیان مصر بود تاسیس کرد.

● نظامیه ها اولین مدارس اسلامی نیستند

نظامیه ها نخستین مدارس اسلامی نبودند اما انتساب آن به خواجه بزرگ و سیاست خاصی که خود او در سازمان عظیم و تنظیم برنامه های آن به کار برد کلیه سازمان های علمی و معاصر و پیش از آن را تحت تاثیر و تحت الشعاع قرار داد. مدارس نظامیه تا دیرگاهی از مراکز مهم علمی و مذهبی دنیای اسلام بودند.

استادان آن غالباً علما و دانشمندان عصر بودند و دانش پژوهانش از بلاد اسلاس به این مدارس روی می آوردند و تحصیل در نظامیه ها را از بزرگترین افتخارات علمی و اجتماعی خود می دانستند. فارغ التحصیلان نظامیه ها همان گونه که منظور موسس آن بود به عالی ترین مراتب علمی و سیاسی و مذهبی آن زمان نائل می شدند.

در این دانشگاه های کهن اسلامی به منظور رفاه استادان و دانشجویان مسکن کمک هزینه

تحصیلی در نظر گرفته شده بود. کتابخانه های بزرگ و مجهز این مدارس انواع و اقسام کتب را در اختیار طلاب علم قرار می دادند. مجالس وعظ و خطابه آن برای استفاده عموم دائر بود. اعضاء گروه آموزشی این مدارس درجات معین و مخصوص به خود داشتند و با عنوان مدرس، نائب، معید، فقیه، خازن مکتبه (کتابدار) در این مناصب انجام وظیفه می کردند و کلیه این برنامه ها ابداعی و ابتکاری سرمشقی شد برای آن دسته از موسسات عالی اسلامی و حتی کم ترین دانشگاه های اروپائی که پس از نظامیه ها بوجود آمدند و سرمشقی شدند که تاکنون مدارس علمیه شیعه و سنی برپایه آن اداره می شود.

● نظامیه ها سر منشاء مدارس بعدی

تاسیس مدارس نظامیه آغاز نهضتی چشم گیر در گسترش دامنه مدارس اسلامی شد و بسیاری از بزرگان علمی و سیاسی را بر آن داشت که به تاسی از روش خواجه نظام الملک به تاسیس مراکز از این نوع مبادرت ورزند.

چنانکه فاصله نیمه دوم قرن پنجم تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم در تاریخ علمی اسلام به وفور مدارس ممتاز و مشهور شده است. مدارس نظامیه با تمام ویژگی هایش و علی رغم آن همه نتایج مطلوب و مثبتی که داشت اثر سوء و نامطلوب نیز بر جای گذاشت که بیشتر از تعصبات مذهبی موسس آن ناشی شده بود.

تأثیرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نظامیه ها طرفداری بی چون و چرای خواجه نظام الملک از مذهب شافعی نه تنها رسمیت آن را در ممالک اسلامی ممکن نساخت بلکه پیروان سایر مذاهب و ارباب سیاست را به تعصب و طرفداری از مذهب معتقد خود ترغیب کرد. اسماعیلیان با آن همه سختگیری های خواجه همچنان بر دامنه فعالیت خود می افزودند. حسن صباح رئیس این فرقه در مناطقی از ایران که خواجه دست او را از حکومت ملک شاه کوتاه کرده بود با غلبه بر استحکامات کوهستانی و ایجاد ترور و وحشت خواب را از چشم مخالفان خود ربود و با قتل خواجه نظام الملک به دست یکی از پیروانش سرانجام

انتقام خویش را از این دشمن دیرینه گرفت و بزرگترین ضربه را بر پیکره مخالفان اسماعیلیه وارد ساخت. دارالملک اصفهان که خواجه آن را مرکز نفوذ شافعیه کرده بود و حتی بر خلاف میل شاه اجازه نمی داد نام ابوحنیفه را مقدم بر شافعی بر مدرسه ملک شاه بنویسند پس از مرگ او میدان تاخت و تاز جانشینان ملک شاه شد. چنان که به دستور سلطان محمد پسر ملک شاه بسیاری از شافعیان را کشتند و با اعزام لشکر به مسجد جامع شهر که خواجه به سبب تعصب به شافعیان اختصاص داده بود حنفیان را به نماز و خطبه کشانید و به شکرانه این پیروزی نماز به جا آورد و صلوات و صدقات داد و همین کار را در جامع همدان کرد و درست در روزگاری که مهاجمان مسیحی و جنگجویان صلیبی بلاد اسلامی را مورد حمله قرار دادند.

سرزمین اسلامی مان در آتش کینه و تعصبات مذهبی می سوخت و این رویداد های دلخراش تا حدود زیادی از پرتو سیاست مذهبی خواجه و تأثیرات سوء اجتماعی مدارس نظامیه بود. مدارس نظامیه در شمار آن دسته از مراکز علمی نبوده است که نواخ بشری را از هر نژادی و ملیتی در خدمت به علم به سوی خود جذب نماید بلکه با اعمال محدودیت های علمی و مذهبی نادیده گرفتن بسیاری از رشته های دانش بشری وضع دانشمندان و دانش پژوهان غیر شافعی پیشرفت علوم و اندیشه های آزاد را در مسیر رکود و انحطاط قرار داد و عواملی را که در قرن های نخستین اسلامی باعث پیدایش و تحرک نیروی ابداع و ابتکار شده بود تا حدود زیادی از بین برد و توجه دانشمندان را به شیوه سنت گرایی و تقلید و شرح و تحشیه و یا تفسیر بر آثار پیشینیان معطوف کرد.

● نظامیه ها

نظامیه های معروف عبارتند از: نظامیه بغداد، نیشابور، اصفهان، امل، طبرستان، بصره، بلخ، جزیره ابن عمر، خرگرد خواف، مرو، هرات و ری. مدارس همنام نظامیه های خواجه نظام الملک نیز عبارتند از: نظامیه بیت المقدس، صبا، خوارزم و قونیه.